

## اثربخشی الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستاییان

### مورد: شهرستان نکا

علی اکبر عنابستانی\*؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.  
الهه انزایی؛ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.  
صدیقه بهزادی؛ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

پذیرش نهایی: 1394/6/22

دریافت مقاله: 1393/4/1

#### چکیده

تغییر شکل روستاها به ویژه در نواحی شمالی طی دهه‌های اخیر بسیار زیاد بوده است. این تغییر شکل، گاه به دلیل تأثیر فرهنگ شهر بر نما و کالبد روستاها و گاه به دلیل مهاجرت‌های روستاییان به شهر بوده است. امروزه این پرسش اساسی مطرح است که چگونه می‌توان این تأثیرپذیری از فرهنگ شهر در نمای فیزیکی روستاها را با عناصر بومی و سنتی در روستا انطباق داد. در این تحقیق تلاش شده است تا به بررسی اثرات تغییر شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در روستاها بر الگوی مسکن روستایی پرداخته شود. روش تحقیق در این مطالعه، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی - تحلیلی بوده است. جامعه آماری 91 روستای بالای 20 خانوار شهرستان نکا برابر با 57769 نفر در قالب 14572 خانوار بوده است. حجم نمونه انتخابی در سطح آبادی، تعداد 10 روستا و در سطح خانوار روستایی تعداد 256 خانوار بوده است که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. برای تحلیل استنباطی داده‌ها از رگرسیون و لیزر استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌دار و نسبتاً قوی با ضریب 0/658 بین عوامل تغییرات فرهنگی و اجتماعی با الگوی مسکن روستایی وجود داشته است، به نحوی که شاخص‌های تغییرات فرهنگی و اجتماعی حدود 58/6 درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده است. پذیرش فرهنگی به تنهایی 66/8 درصد تغییرات در الگوی مسکن روستایی را توجیه نموده و گرایش به مصرف‌گرایی، بیشترین تأثیر را در تحلیل مسیر بر روی شاخص‌های رضایت‌مندی، پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن با ضرایب 0/29، 0/34 و 0/19 بر جای گذاشته است. در توزیع فضایی رابطه بین تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن در هشت روستا، همبستگی مستقیم و نسبتاً کاملی وجود داشته است.

واژگان کلیدی: مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی، گذران اوقات فراغت، پلان معماری، کیفیت مسکن، نکا.

## 1) مقدمه

در نیم قرن گذشته شاهد تغییرات عمده‌ای در سیمای روستاهای کشور بوده‌ایم که بیشتر به معماری مسکونی آن‌ها مربوط بوده است. هنگام مواجهه با چهره‌های جدید مکان‌هایی که نقشی از سابقه‌ی آن در خاطره‌ها بر جای مانده، دائماً سوال‌هایی از این دست در اذهان شکل می‌گیرد که "چرا چهره‌ی روستاها با این سرعت دگرگون گردیده است؟"، "آیا برای حفظ ظاهر سنتی روستاها نباید کاری انجام داد؟"، "چه چیزی موجب این تحول شده است و آیا این همه تغییر لازم است؟" سوالاتی از این قبیل که به صورتی بنیادین در رویارویی با تغییرات سریع در کالبد روستا صورت می‌پذیرد، ما را دچار تشویش می‌سازد (خاکپور و شیخ مهدی، 1390: 2).

برنامه‌ریزی فرهنگی جدید، نگاه نو به مسائل فرهنگی جامعه روستایی، مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی، مبارزه با هیچ‌انگاری در چشم‌اندازهای جغرافیا، فرصتی برای توسعه هویت محلی، پشتیبانی از فرهنگ خودی، توانمندسازی از طریق مشارکت روستاییان، پشتیبانی دموکراتیک سیاست‌های فرهنگی و درک بهتر مردم است (Wiliva, 2010: 8). یکی از ویژگی‌های بارز الگوهای توسعه که در عمل در اکثر کشورهای در حال توسعه صورت پذیرفته است، سرعت فاحش توسعه یافتگی مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است؛ به طوری که نه تنها در مناطق روستایی فاصله‌ای چشمگیر در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید به چشم می‌خورد، بلکه از نظر مسائل فرهنگی و اجتماعی مانند آموزش، سلامتی و امنیت اجتماعی که همه جزء پیش شرط‌های توسعه انسانی هستند نیز دارای عقب ماندگی‌های فاحشی نسبت به مناطق شهری هستند (فتحی و مطلق، 1389: 47).

انسجام کالبدی سکونتگاه‌های انسانی به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کنند. «انسان آزاد است که از میان امکاناتی که فرهنگ تعیین کرده است، انتخاب کند و تا حد معینی می‌تواند در فرهنگی خاص خلاقانه مشارکت کند. این بدان معناست که هر فرد در درون یک نظام معنایی زاده می‌شود که از طریق مظاهر نمادینش به فهم آدمی در می‌آید» (نورنبرگ شولتز، 1387: 536). بنابراین ارتقای ساختار جامعه، به افزایش احساس مطلوبیت کالبدی سکونتگاه در وجه ادراکی ساکنان منجر می‌گردد (Melioush & kheira, 2001: 59).

ارتباطات اجتماعی مرم هر روستا بر ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی آن منطقه مبتنی بوده و دارای انسجام زیادی است. جمعیت کم روستاها و روابط شخصی نزدیک که منجر به دیدار روزانه افراد روستا است، قوانین جمعی و رفتارهای مشخصی را موجب می‌شود. تعاملات اجتماعی ساکنان یک مجموعه زیستی نسبتاً کوچک مانند روستا، بر چگونگی ساخت مسکن و الگوهای مناسب بنای مسکونی مؤثر است (پاپلی یزدی و امیرابراهیمی، 1381: 27). دگرگونی‌های فرهنگی در بعضی موارد باعث بروز تفاوت‌هایی

در شکل‌گیری عناصر و اجزای معماری بوده است. از این رو، معمولاً در شیوه و الگوی ساختمان‌سازی، تحولاتی بر جای می‌نهد؛ به گونه‌ای که در روند تأثیر زندگی و فرهنگ شهری بر روستاییان در بسیاری موارد، الگوهای معماری شهری و به ویژه الگوهایی از حاشیه نشینی در شهرها که فاقد ارزش‌های معماری‌اند، جای بناهای سنتی روستایی را که به نظر می‌رسد عملکرد پیشین خود را از دست داده‌اند، می‌گیرد (تقوی، 1371: 55).

در دهه‌های اخیر، آهنگ تغییرات در چهره‌ی روستاهای مازندران روندی پر شتاب گرفته است، به طوری که ظاهر کلی روستاها و مسکن آنها را به شدت دگرگون ساخته است. این تغییرات ناشی از ورود و گسترش تکنولوژی و وسایل ارتباطی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: انتقال و دریافت تصاویر از طریق تلویزیون و شبکه توزیع فیلم، اینترنت و موبایل، بهبود مسیرهای دسترسی به روستاها، تغییرات نظام اداری و برخی قوانین کشوری، تغییر در ساختار سنتی خانواده و تجزیه خانوارهای گسترده به خانواده‌های هسته‌ای کوچک و رواج الگوهای فرهنگی شهرنشینی. در پس این تغییرات، نیازهای جدیدی در زندگی روزمره روستاییان ظهور پیدا می‌کند که تغییر در برخی فضاهای خدماتی محوطه مسکونی، حذف بعضی از بناهای جانبی خانه و یا ایجاد عناصری دیگر متناسب با تغییرات در روند فعالیت‌های اقتصادی تازه، از آن جمله‌اند. در نوشتار حاضر سعی شده است تا رابطه نظام اجتماعی محیط را با معماری روستایی بازگو نموده و تأثیرگذاری تغییرات فرهنگی و اجتماعی را بر کالبد روستا به خصوص بر مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه یعنی شهرستان نکا مورد بررسی قرار دهد و در کنار آن، توزیع فضایی این ارتباط را در سطح روستاهای مورد مطالعه، مشخص نماید.

## 2) مبانی نظری

در ایران کمتر به مقوله‌ی آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن در سطح سکونتگاه‌های روستایی پرداخته شده است. در ادامه نتایج تعدادی از این تحقیقات مورد بررسی قرار می‌گیرد: مطالعات مهندسین مشاور طاهرافراز شمال (1386) نشان می‌دهد که الگوی مسکونی سنتی در روستاهای شمال ایران در حال تحول است. این تحول به نیاز به زندگی راحت و امروزی که خواسته تمامی روستاییان است و بهره‌گیری از مسکن مرفه و مدرن بوده است. کریمی‌آذر و شمسی یوسفی (1388)، سعیدی و امینی (1389)، صیدایی و همکاران (1390)، قنبری و همکاران (1390) و بسحاق و همکاران (1391) معتقدند که روند دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و تحرک و جا به جایی روزافزون گروه‌های انسانی، به روندهای پایداری/ناپایداری و دگرگونی‌های کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی منجر شده است. یافته‌های عنابستانی (1390) نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی روستاییان در شکل‌گیری الگوهای مسکن روستایی، اثرات ماندگاری بر جای گذاشته است که از ناحیه‌ای به ناحیه‌ی دیگر متفاوت

خواهد بود. شکوری و عسگری (1391)، سرتیپی پور (1384)، (1385) و (1389)، در بررسی مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه معتقدند که مسکن روستایی در طول شصت سال نظام برنامه‌ریزی کشور مورد بی‌توجهی قرار گرفته و علی‌رغم توجهی که در برنامه‌های بعد از پیروزی انقلاب به روستاها صورت گرفته است، اما تا تحقق فضای زیستی - کالبدی مناسب فاصله بسیار زیادی وجود دارد. نتایج حاصل از تحقیقات پورطاهری و همکاران (1390) مشخص نمود که بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی و معناداری برقرار است. نتایج مطالعات عینالی و همکاران (1394) نشان داد که بهسازی مساکن روستایی نقش مهمی در ایجاد تغییرات در اجزای مسکن روستایی برجا گذاشته است. به طوری که این تغییرات را می‌توان در طرح و نقشه ظاهری و الگوبرداری از مساکن شهری و نیز بهبود دسترسی به امکانات و خدمات زیرساختی مشاهده نمود.

از منابع خارجی نیز می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره نمود که با تحقیق حاضر دارای شباهت است: از جمله مطالعات (Wells, 1971)، (Mai & Shamsuddin, 2006) و (Turgat, 2001) نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی باعث تغییر شکل مساکن می‌شود. تغییرات فرهنگی به خصوص تغییر از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی بر الگوی مسکن و طرح‌های مسکونی اثرات متعددی بر جای نهاده است. یافته‌های پژوهش‌های (Walker, 2002) و (Al.Naim & Mahmud, 2004) بیانگر این است که تغییرات الگوی مسکن روستایی در نیجریه، به ویژه در سه دهه اخیر بر اثر تغییرات فرهنگی، شهری شدن و جهانی شدن صورت پذیرفته است. بلاک و نرس، معتقدند که روستاهای کانادا در چند سال اخیر تحت تأثیر فرآیندهای جهانی‌سازی، شهرنشینی و گسترش تکنولوژی‌های مدرن قرار گرفته‌اند که این عوامل به نوبه خود باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در روستاها شده است (Nurse & Blak, 2000: 66). در روستاهای ترکیه، تغییرات فرهنگی بر مساکن روستایی به‌ویژه تغییرات در ابعاد فضایی و کالبدی مسکن تأثیر داشته و نظام ساخت واحدهای مسکونی جدید را متأثر از فرهنگ غرب نموده است (Hacihanoglu, 2005: 902). بانسکی و وسولوسکا معتقدند که در اثر تحولات اقتصادی در لهستان، ساختمان‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است که خود تابعی از میزان نزدیکی به حومه شهر و فاصله از آن است (Banski & Wesolowska, 2010: 116).

مروری گذرا بر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در زمینه الگوی مسکن نشان می‌دهد که در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذاری بیشتری داشته است. بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد با رویکردی جدید، ارتباط بین تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زندگی روستاییان با تغییرات الگوی مسکن روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه، مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد.

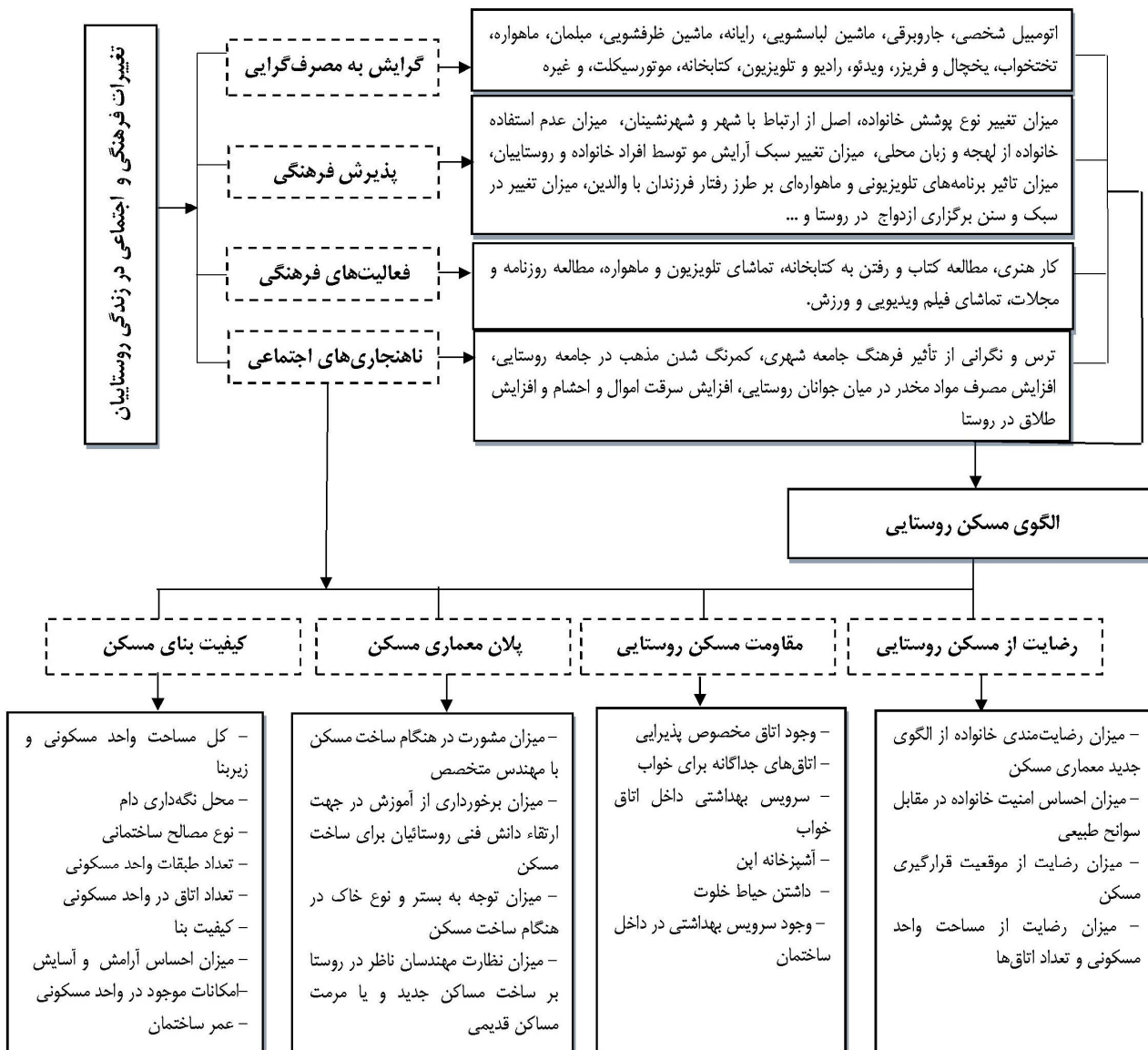
تحولات قرن بیستم چهره روستاها و شیوه زندگی و روابط اجتماعی روستاییان را ابتدا به آرامی و آنگاه با شتاب بیشتری دگرگون کرد (بهرامی، 1386: 131). تجربه توسعه در کشورهای جهان سوم حداقل در بخش روستایی نشان می‌دهد که نحوه نگرش به توسعه و نقش فرهنگ بومی و روش‌ها و راهبردهای اتخاذ شده نقش کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه دارد. بسیاری از صاحب‌نظران دلیل عدم موفقیت در بهبود وضعیت جامعه روستایی و شکست برنامه‌های توسعه در روستاها را به نحوه نگرش به توسعه روستایی و راهبردهای اتخاذ شده مربوط می‌دانند (دشتی و همکاران، 1387: 78). امروزه جامعه ایران در مرحله سریعی از تحول اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. در چنین حالتی نه تنها ساخت فیزیکی جامعه در حال دگرگونی است بلکه بافت فکری و اجتماعی آن نیز دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است. میل به مصرف و دستیابی بر کلیه امکانات رفاهی و تمامی مظاهر توسعه خواست هر یک از افراد جامعه ایرانی است (ارجمندنیا، 1354: 57). هر تحول اجتماعی و فرهنگی تأثیر آشکار یا نهان بر الگوی مسکن سنتی روستاییان داشته و با تغییر آن کالبد مسکن را نیز دگرگون می‌سازد. «فرهنگ‌ها تعمیم دهنده‌ی اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازه‌واره بشری هستند. هر جا که اقتباس فرهنگی در بین باشد، موضوع اقتباس شده بایستی با فرهنگ جدید توافقی داشته باشد. در غیر این صورت قدیم و جدید با هم همسازی نداشته و در بعضی موارد حتی دو الگوی کاملاً متناقض هستند» (هال، 1387: 129).

آنچه رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها را می‌سازد، متأثر از اوضاع فرهنگی آدمیان است. بدیهی است که این اوضاع فرهنگی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر یا در جریان تحول‌های تاریخی تغییر می‌یابد. حضور تاریخی یک فرهنگ و مشخصه‌های بنیادی آن، همان‌هایی هستند که در تفسیر رفتارهای انسانی نقشی تعیین کننده دارند (آیت‌اللهی، 1387: 51). در بیان ویژگی‌های روستا، همواره بر خصوصیت اجتماعی و فرهنگی آن تأکیدی خاص بوده است. «جامعه روستایی مجموعه‌ای روابط انسانی است که در روستاها تشکیل می‌گردد. مفاهیمی چون روابط متقابل فردی، هم‌مکان بودن، اجتماع طبیعی، گروه‌هایی با هدف مشخص، نهادهایی که هسته ارتباط مداوم و پایدار در آن‌ها متبلور می‌شود، همه و همه همچون رشته‌ی کشاورزی به واقعیت وسیعی که جامعه روستایی را تشکیل می‌دهد، وابسته‌اند» (هویوآ و دوبرولسکی، 1377: 9). در جهت بهینه‌سازی الگوی مسکن روستایی، دگرگونی در هر یک از خصوصیات فرهنگی و تغییر در روابط اجتماعی باید به طور ویژه مورد کنکاش قرار گیرد. به عبارتی دیگر، اگر در ارایه ضوابط و پیشنهاد الگوها موضوع لحاظ گردد، بنای مسکونی روستایی، عملکردی مناسب‌تر خواهد داشت.

مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پر دوام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (Bourne, 1981: 14) و افزون بر این‌ها، مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به عنوان

نمایش مقام و وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد است (Cater & Trevor, 1989: 38). مسکن در عین حال عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد (Short, 2006, 199). در بسیاری از موارد مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (Westaway, 2006, 187). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک شناختی، آب و هوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیرگذار است (Sendich, 2006, 185).

خصیصه اساسی مساکن روستایی اختلاط فضای کار و تولید و فضای مسکونی است. مسکن روستایی بر خلاف مساکن شهری صرفاً محل سکونت و استراحت افراد نیست؛ بلکه به اقتضای نوع کارکرد اقتصادی خانواده، مرکز نگهداری و پرورش دام و طیور، تولید فرآورده‌های دامی، محل کارگاه صنایع دستی و نیز نگهداری وسایل تولید و محصولات کشاورزی است. تقسیمات داخلی ساختمان‌ها تا حد زیادی متأثر از نحوه معیشت خانواده‌ها است (نیک خلق، 1358: 49). تأسیس مساکن روستایی در واقع از پیوستگی انسان و محیط بوده که به منظور آسایش و ادامه زندگی و فعالیت خانواده‌های روستایی، ایفای نقش می‌کند. خصوصیات فرهنگی، وضع رفا، و امکانات اجتماعی و اقتصادی ساکنان روستاها بر روی شکل ظاهری، مصالح ساختمانی غالب و معماری مساکن با توجه به شرایط محیط طبیعی آن ناحیه، تأثیر سازنده‌ای داشته است (بهفروز، 1374: 224).



شکل شماره (1): چارچوب مفهومی پژوهش

## 2) روش تحقیق

روش پژوهش در این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی است که با بهره‌گیری از روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. شهرستان نکا دارای 105 روستای دارای سکنه با جمعیت 58601 نفر بوده است (مرکز آمار ایران، 1390). جامعه آماری، تمام روستاهای بالای 20 خانوار شهرستان نکا در نظر گرفته شده که برابر با 91 روستا با جمعیت 57769 نفر بوده است. جهت برآورد حجم نمونه در سطح خانوارهای روستایی از روش نمونه‌گیری کوکران با سطح اطمینان 95% و احتمال خطای 5/5% بنابر سهم جمعیت هر روستا استفاده شده است. در نهایت 10 آبادی با 1653 خانوار مورد پرسش‌گری و تحقیق قرار گرفته است.

برای ارزیابی آثار تغییرات فرهنگی و اجتماعی بر الگوی مسکن در روستاها، تعداد 256 نفر (سرپرست خانوار) از روستاییان به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. سؤال اصلی در تحقیق حاضر این است که تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زندگی روستاییان به چه میزان در الگوی مسکن موجود در سکونتگاه‌های روستایی مؤثر بوده است؟ و فرضیه‌ی زیر برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق طراحی شده است: «به نظر می‌رسد تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زندگی روستاییان به میزان قابل ملاحظه‌ای بر الگوی مسکن روستایی اثرگذار بوده است.»

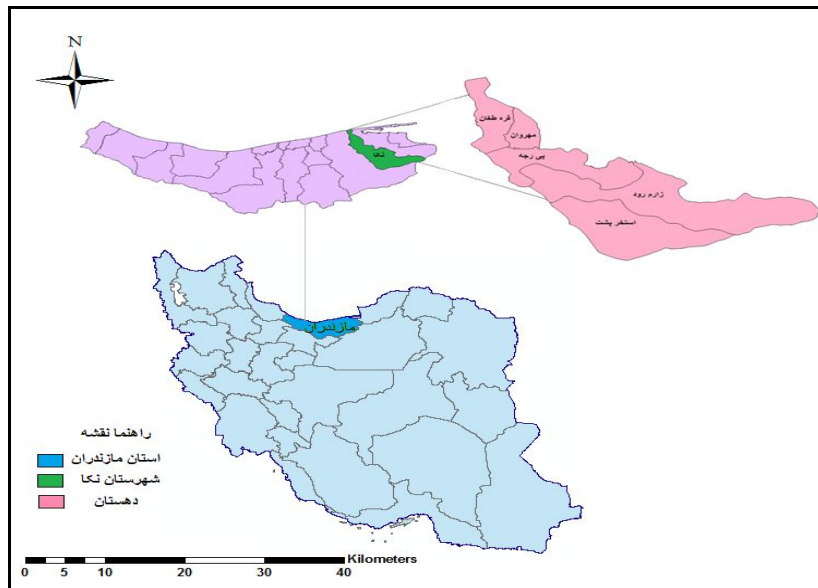
جدول شماره (1): جمعیت و حجم نمونه در روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت	موقعیت طبیعی	برآورد نمونه
درویش خلک	27	89	جنگلی کوهپایه ای	5
درمزار	31	101	جنگلی کوهپایه ای	5
گل چال سر	39	169	دشتی	7
ملیح گاله	46	185	دشتی	8
ولیچی محله	74	279	دشتی	11
لایی رودبار	97	339	جنگلی کوهپایه ای	14
ولامده	144	636	جنگلی کوهپایه ای	24
کلت	229	961	دشتی	37
کمیشان	394	1602	دشتی	62
زرن‌دین سفلی	572	2166	جنگلی	83
جمع	1653	6527	-	256

منبع: مرکز آمار ایران، 1390 و نگارندگان، 1392

موقعیت جغرافیایی بیانگر بسیاری از ویژگی‌های روستا از جمله حجم جمعیت، نوع فعالیت‌ها، امکان دسترسی به منابع و توان‌های بالقوه برای رشد و توسعه است (سعیدی، 1379: 40). شهرستان نکا در استان مازندران دارای 105 آبادی دارای سکنه با 14782 خانوار و 58601 نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران، 1390). محدوده مورد مطالعه به لحاظ ریاضی در عرض جغرافیایی 18' و 36° تا 50' و 36° شمالی و طول جغرافیایی 13' و 53° تا 03' و 54° شرقی واقع که از سمت غرب و جنوب به شهرستان ساری، از شرق و شمال شرق به شهرستان بهشهر و از جنوب شرق به استان سمنان محدود می‌شود و از نظر طبیعی دارای دو بخش کوهستانی (در جنوب شهرستان) و جلگه‌ای (در شمال، غرب و شرق شهرستان) است. مساحت شهرستان 1358/8 کیلومتر مربع، معادل 5/8 درصد از کل وسعت استان مازندران و دارای 2 بخش، 5 دهستان و یک نقطه شهری است (استاندارداری مازندران، 1392).





شکل شماره (2): موقعیت منطقه مورد مطالعه

برای بررسی آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دو متغیر، 8 شاخص و 44 معرف (گویه) استفاده شده است. تمامی گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم گردیده و برای ارزیابی روایی پرسشنامه‌ها از نظر متخصصین و کارشناسان ذی‌ربط در دانشگاه‌ها و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استفاده شده است. پایایی پرسشنامه بر مبنای آلفای کرونباخ با اعتبار بین 0/681 تا 0/92 تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر با کمک نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel استفاده شده است.

جدول شماره (2): بررسی قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق

متغیر	نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
تغییرات فرهنگی و اجتماعی	گرایش به مصرف گرایی	1	--
	پذیرش فرهنگی	9	0/681
	نوع اوقات فراغت	6	0/92
	ناهنجاری‌های اجتماعی	5	0/741
	جمع	21	0/760
الگوی مسکن	رضایت از مسکن روستایی	4	0/878
	مقاومت مسکن	4	0/841
	پلان معماری مسکن	1	--
	کیفیت بنای مسکن	14	0/791
	جمع	23	0/896

#### 4) یافته‌های تحقیق

برای سنجش آثار تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه، از شاخص‌هایی نظیر فعالیت‌های فرهنگی، گرایش به مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی و ناهنجاری اجتماعی در روستا استفاده شده است. طبق یافته‌های تحقیق، میزان تمایل خانواده‌ها به اختصاص زمانی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی بیشتر به سمت ورزش با میانگین 4/05 درصد و در مرتبه دوم تماشای تلویزیون و ماهواره با میانگین 1/92 درصد بوده است و مطالعه کتاب و رفتن به کتابخانه با 1/02 درصد کمترین میزان بوده است. همچنین 45/15 درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که تمایلی در حد کم تا متوسط برای انجام فعالیت‌های فرهنگی بوده و از سوی دیگر 36 درصد آن‌ها تمایل ناچیزی برای انجام این قبیل فعالیت‌ها در سطح روستا داشته‌اند (جدول 3).

جدول شماره (3): میزان اختصاص اوقات فراغت خانواده‌ها به فعالیت‌های فرهنگی (درصد)

گویه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	میانگین وزنی	کای اسکوئر
کار هنری	10/66	13/66	22/66	24	26/33	1/001	0/000
مطالعه کتاب و رفتن به کتابخانه	0/6	7/33	13/33	30	40	1/02	0/000
تماشای تلویزیون و ماهواره	13	13/33	15	24/66	35/33	1/92	0/001
مطالعه روزنامه و مجلات	8/33	26	0/6	0/6	53/66	1/7	0/000
تماشای فیلم ویدیویی	6/66	4	12/66	24/66	52	4/1	0/000
ورزش	19/33	33/33	26/66	22	8/66	4/05	0/000
جمع	10	16/2	15/15	30	36	1/8	0/000

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

برای آگاهی از میزان گرایش روستاییان به مصرف‌گرایی، 16 نوع وسیله مصرفی مورد پرسش‌گری قرار گرفته است؛ از کل خانوارها 99 درصد دارای یخچال، 98/2 درصد دارای تلویزیون، 31/3 درصد دارای جارو برقی، 9/7 درصد دارای لباسشویی، 75/8 درصد دارای رادیو، 24 درصد دارای موتورسیکلت، 68 درصد دارای فریزر، 11/3 درصد دارای کولر، 22/4 درصد دارای اتومبیل شخصی، 1/1 درصد دارای تخت خواب، 39 درصد دارای ویدئو، 3/4 درصد دارای مبلمان، 29 درصد دارای کامپیوتر، 8/2 درصد دارای ماهواره، 1/2 درصد دارای کتابخانه شخصی بوده‌اند. با فرض برابری ارزش وسایل مصرفی برای هر خانوار، 68/74 درصد خانوارها میزان گرایش به مصرف این کالاها را در حد کم ارزیابی کرده‌اند.

طبق یافته‌های جدول 4، روستاییان در ارزیابی میزان پذیرش فرهنگی در محیط‌های روستایی، به میزان تأثیر برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بر طرز رفتار فرزندان با والدین (5/8)، میزان تغییر در نحوه ساخت و تزئین نمای درونی و بیرونی مسکن روستایی (5/2) و میزان تغییر در سبک و سنن

برگزاری ازدواج در روستا (4/3) بالاترین امتیاز داده‌اند. 35/7 درصد روستاییان معتقدند که میزان پذیرش فرهنگی بین آن‌ها در سطح بالایی بوده است.

جدول شماره (4): ارزیابی میزان پذیرش فرهنگی در بین روستاییان از دیدگاه آن‌ها (درصد)

کای اسکوتر	میانگین وزنی	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها
0/000	4/01	13/33	7/33	36	18/66	24/66	میزان تغییر نوع پوشش خانواده حاصل از ارتباط با شهر و شهرنشینان
0/000	2/14	33/33	22	26/66	19/33	8/66	میزان استفاده خانواده از لهجه و زبان محلی
0/000	3/12	29/33	19/66	31/33	13	6/66	میزان تغییر سبک آرایش مو توسط افراد خانواده و روستاییان
0/000	1/7	36/66	22/33	18	11/66	11/33	میزان تمایل فرزندان به پوشیدن لباس سنتی و محلی
0/000	4/8	9/33	14	31/33	12	37/29	میزان تأثیر برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بر رفتار فرزندان با والدین
0/000	4/1	10	8	24/66	28/66	28/66	میزان تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی افراد خانواده
0/000	4/3	7/33	18/66	13/33	24/66	6	میزان تغییر در سبک و سنن برگزاری ازدواج در روستا
0/000	1/8	40	20/66	23/33	10	6	میزان تعصب به فرهنگ و آداب و رسوم روستا،
0/000	5/2	5/33	10/66	24/66	21/32	38	میزان تغییر در نحوه‌ی ساخت و تزئین نمای درونی و بیرونی مسکن
0/000	3/6	20/5	16	25/5	17/7	18	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

بر اساس جدول 5، ارزیابی میزان شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های روستایی نشان داد میزان ترس از افزایش مصرف مواد مخدر در میان جوانان روستایی (4/9)، میزان ترس و نگرانی از تأثیر بعضی از جنبه‌های فرهنگی جامعه شهری بر روستاییان (4/8)، میزان نگرانی از کمرنگ شدن مذهب در زندگی جامعه روستایی و میزان نگرانی از افزایش سرقت اموال و احشام (4/3) در بالاترین سطح بوده است. بنابراین 67 درصد روستاییان معتقدند میزان نگرانی از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های روستایی در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است.

جدول شماره (5): ارزیابی میزان شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های روستایی (درصد)

کای اسکوتر	میانگین وزنی	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها
0/000	4/8	4/66	10/66	14	21/33	49/33	میزان ترس از تأثیر جنبه‌های فرهنگی جامعه شهری بر روستاییان
0/000	4/3	12/66	8	19/33	40	20	میزان نگرانی از کمرنگ شدن مذهب در زندگی جامعه روستایی
0/000	4/9	5/33	7/33	12/66	24	50/66	میزان ترس از افزایش مصرف مواد مخدر در میان جوانان روستایی
0/000	4/3	14/66	8	4/66	47/33	25/33	میزان نگرانی از افزایش سرقت اموال و احشام
0/000	4/01	8/66	14	19/33	28/66	29/33	میزان ترس از افزایش طلاق در روستا
0/000	4/46	8	9/6	14	32	35	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

در ارتباط با مسئله مسکن، ایجاد توازن بین نیازهای سکونتی خانوار و ضرورت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مهم‌ترین مسئله است. پدید آوردن توازن لازم بین بخش‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و بخش مسکن مستلزم شناخت ابعاد کمی و کیفی مسکن و درک ماهیت قابل انعطاف و تحول‌زای آن است (اهری، 1367: 13). برای بررسی الگوی مسکن روستایی از شاخص‌هایی مانند رضایت، پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن کمک گرفته شده است. با توجه به یافته‌های جدول 6، میزان رضایت‌مندی خانواده از الگوی جدید معماری مسکن و میزان رضایت از مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق‌ها با میانگین وزنی  $4/2$  و  $3/8$  بالاترین امتیاز را به دست آورده است؛ به طوری که  $53/33$  درصد روستاییان از الگوی جدید معماری مسکن در حد زیاد و بسیار زیاد رضایت داشته‌اند.

جدول شماره (6): ارزیابی میزان رضایت‌مندی از مسکن در محیط‌های روستایی (درصد)

کای اسکوتر	میانگین وزنی	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها
0/000	4/2	11/11	13/33	22/22	31/11	22/22	میزان رضایت‌مندی خانواده از الگوی جدید معماری مسکن
0/000	3/4	24/24	22/22	33/33	15/55	4/44	میزان احساس امنیت خانواده در مقابل سوانح طبیعی
0/000	3/6	15/55	17/77	40	17/77	8/88	میزان رضایت از موقعیت قرارگیری مسکن
0/000	3/8	17/77	20	35/55	15/55	11/11	میزان رضایت از مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق‌ها
0/000	3/8	17/1	18/3	33	20	11/7	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

برای آگاهی از وضعیت پلان معماری مسکن روستایی، 7 قسمت واحد مسکونی مورد مطالعه قرار گرفت. از کل خانوارهای مورد مطالعه، 32 درصد دارای آشپزخانه این، 2 درصد سرویس بهداشتی داخل اتاق خواب، 56 درصد اتاق‌های جداگانه برای خواب، 81 درصد وجود اتاق مخصوص پذیرایی، 35 درصد وجود سرویس بهداشتی در داخل ساختمان، 100 درصد داشتن حیاط خلوت و 53 درصد دارای دو حیاط در منزل بوده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول 7 می‌توان گفت کل خانوارهای مورد مطالعه به میزان نظارت مهندسان ناظر در روستا بر ساخت مسکن جدید و یا مرمت مسکن قدیمی ( $3/6$ ) بالاترین امتیاز داده‌اند و همچنین میزان مشورت در هنگام ساخت مسکن با مهندس متخصص با  $46/66$  درصد و میزان توجه به بستر و نوع خاک در هنگام ساخت مسکن با  $48/88$  درصد در حد کم بوده است.

جدول شماره (7): ارزیابی میزان مقاومت مسکن در محیط‌های روستایی (درصد)

کای اسکوتر	میانگین وزنی	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها
0/000	1/02	24/44	22/22	15/55	20	17/77	میزان مشورت در هنگام ساخت مسکن با مهندس متخصص
0/000	3/4	22/22	17/77	33/33	26/66	11/11	میزان برخورداری از آموزش در جهت ارتقاء دانش فنی روستائیان برای ساخت مسکن
0/000	2/4	22/22	26/66	15/55	17/77	17/77	میزان توجه به بستر و نوع خاک در هنگام ساخت مسکن
0/000	3/6	4/44	33/33	33/33	17/77	11/11	میزان نظارت مهندسان ناظر در روستا بر ساخت مساکن جدید و یا مرمت مساکن قدیمی
0/000	2/6	17/4	75	24/4	20/5	14/4	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

یافته‌های پژوهش در رابطه با مساکن نشان می‌دهد که 11/1 درصد واحدهای مسکونی دارای سطحی بین 100 تا 120 مترمربع و 24 درصد کمتر از 80 متر مربع، 65 درصد وجود سرویس بهداشتی در بیرون از ساختمان بوده است. از نظر نوع مصالح ساختمانی، 2/5 درصد مساکن دارای اسکلت فلزی، 68 درصد یک طبقه و 27/7 درصد واحدهای مسکونی دارای سه اتاق بوده است. به لحاظ امکانات واحدهای مسکونی، تمام مساکن دارای آب و برق، 58/8 درصد دارای گاز لوله‌کشی، 94 درصد دارای تلفن بوده است. ارزیابی کیفیت ابنیه مساکن روستایی نشان می‌دهد که 24 درصد قابل نگهداری بوده و 1/2 درصد روستائیان از زندگی در واحدهای مسکونی خود احساس آرامش نداشته‌اند. عمر 41 درصد مساکن زیر 10 سال و 28 درصد نمای واحدهای مسکونی از مصالح نیمه بادوام ساخته شده است (جدول 8).

جدول شماره (8): وضعیت شاخص‌های الگوی مسکن روستایی

متغیرها و شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
رضایت از مسکن روستایی	256	3/8	0/582	1/32	5
مقاومت مسکن	256	2/6	1/341	1	4/2
پلان معماری مسکن	256	2/8	0/456	1	5
کیفیت بنای مسکن	256	3/22	0/0321	1	4/41
تغییرات الگوی مسکن روستایی	256	3/14	0/484	1/21	4/5

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

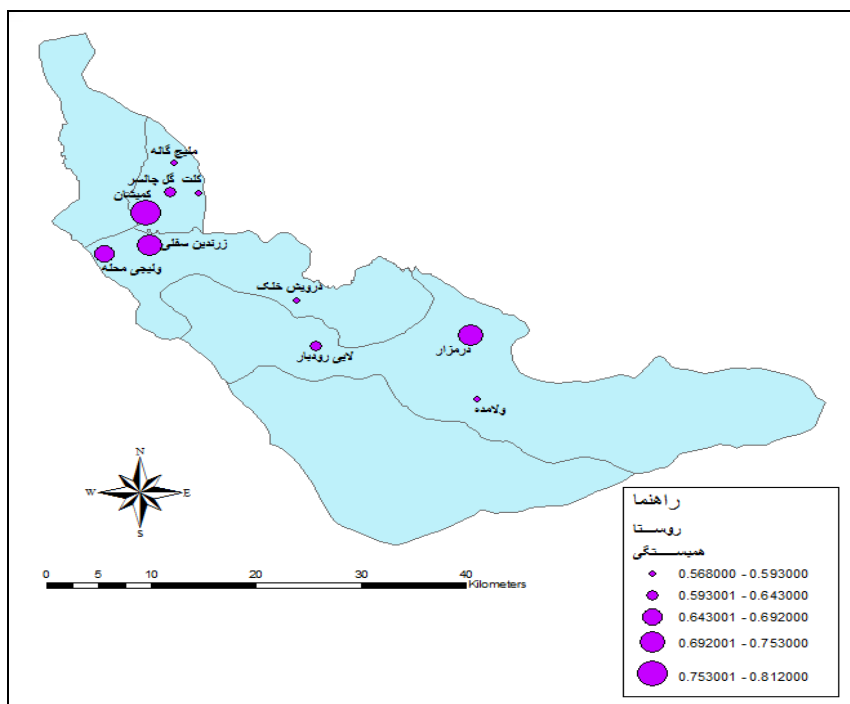
همبستگی بین تغییرات اجتماعی در زندگی روستائیان و الگوی مسکن روستایی در محدوده مورد مطالعه نشان داد بین الگوی مسکن روستایی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی با سطح معناداری 0/021 برابر با 0/78 همبستگی وجود داشته است که می‌توان گفت تغییرات اجتماعی و فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی در روستاهای مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است.

جدول شماره (9): وضعیت ارتباط بین تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی به تفکیک روستاها

نام روستا	حجم نمونه	مقدار ضریب همبستگی	مقدار احتمال آزمون	نتیجه آزمون	تحلیل
درویش خلک	5	0/582	0/002	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
درمزار	5	0/749	0/101	پذیرش فرضیه صفر	-
گل چال سر	7	0/643	0/021	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
ملیج گاله	8	0/568	0/011	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
ولیچی محله	11	0/692	0/000	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
لایی رودبار	14	0/613	0/310	پذیرش فرضیه صفر	-
ولامده	24	0/593	0/001	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
کلت	37	0/574	0/001	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
کمیشان	62	0/812	0/000	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
زرنندین سفلی	83	0/753	0/000	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است
جمع	256	0/658	0/044	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی دار است

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

از این رو بر اساس جدول 9 می‌توان نتیجه گرفت که بین تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان و الگوی مسکن روستایی در اکثر روستاهای مورد مطالعه مانند درویش خلک، گل چال سر، ملیج گاله، ولیچی محله، ولامده، کلت، کمیشان و زرنندین سفلی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همبستگی مستقیم به‌دست آمده در این روستاها نشان می‌دهد که با افزایش بیشتر تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان، میزان تغییر در الگوی مسکن روستایی افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌های مؤید این است که بیشترین ضریب همبستگی در روستاهای کمیشان و زرنندین سفلی با 0/812 و 0/753 درصد بوده است. روستاهای زرنندین سفلی و کمیشان به دلیل اینکه در نزدیکی شهر استقرار یافته و اینکه کارخانه سیلو و شرکت‌های صنعتی در روستاهای مورد نظر قرار دارد، بیشترین تغییر در الگوی مسکن روستایی داشته است. دو روستای لایی رودبار و درمزار که سطح معناداری آن‌ها بیشتر از 0/05 محاسبه گردیده است، به علت فاصله زیاد از شهر و قرارگیری در موقعیت کوهپایه‌ای و جنگلی کمتر از فرهنگ و مصرف شهری تأثیر پذیرفته و تقریباً فرهنگ روستایی در این دو روستا حفظ شده است (شکل 3).



شکل شماره (3): توزیع فضایی ارتباط بین تغییرات فرهنگی و اجتماعی و الگوی مسکن روستاییان

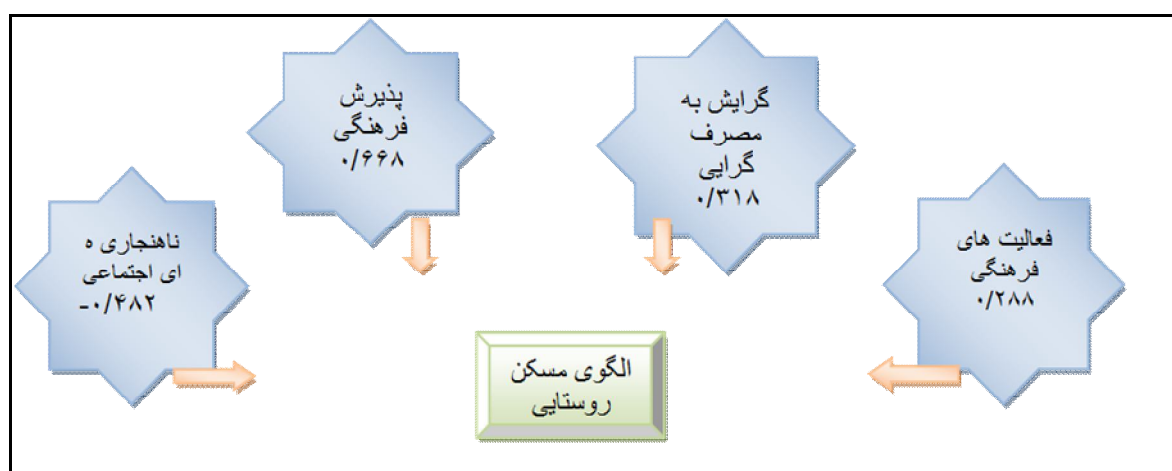
برای بررسی میزان تأثیرگذاری تغییرات فرهنگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دیدگاه روستاییان از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. بر اساس مقدار ضریب تعیین  $0/586$  مشخص می‌شود که رگرسیون خطی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته حدود  $58/6$  درصد از کل تغییرات را توجیه می‌کند. در جدول ANOVA درجه آزادی، میانگین مربعات، آماره فیشر و سطح معنی داری رگرسیون گزارش شده است. سطح معناداری برابر  $0/010$  بوده که از  $0/05$  کوچکتر است. بنابراین فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم معنی‌داری مدل رگرسیون را با اطمینان  $99\%$  تأیید نمی‌شود؛ بنابراین مدل رگرسیونی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

در جدول 10 برای هر یک از پارامترهای مدل رگرسیون، مقادیر برآورد پارامترها، انحراف معیار برآورد پارامترها، برآورد پارامترهای مدل رگرسیون استاندارد شده، آماره تی آزمون و سطح معناداری برآورد پارامترها گزارش شده است. با توجه به نتایج حاصل، تأثیر تمامی شاخص‌ها در مدل معنی‌دار است، یعنی سطح معناداری تمامی متغیرهای مستقل کمتر از  $0/05$  است، اما ترس از شیوع نا هنجاری‌های اجتماعی تأثیر منفی بر الگوی مسکن خواهد داشت. مدل رگرسیون به صورت زیر در می‌آید (شکل 4):

جدول شماره (10): بررسی اثرگذاری تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن

متغیرهای مستقل	ضریب متغیر	ضریب استاندارد (بتا)	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	0/015	-	2/64	0/000	معنی دار است
فعالیت‌های فرهنگی	0/257	0/288	33/16	0/001	معنی دار است
گرایش به مصرف‌گرایی	0/195	0/318	37/90	0/000	معنی دار است
پذیرش فرهنگی	0/287	0/668	63/636	0/000	معنی دار است
ناهنجاری‌های اجتماعی	-0/256	-0/482	-54/834	0/000	معنی دار است

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.



شکل شماره (4): اهمیت نسبی شاخص‌های تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی

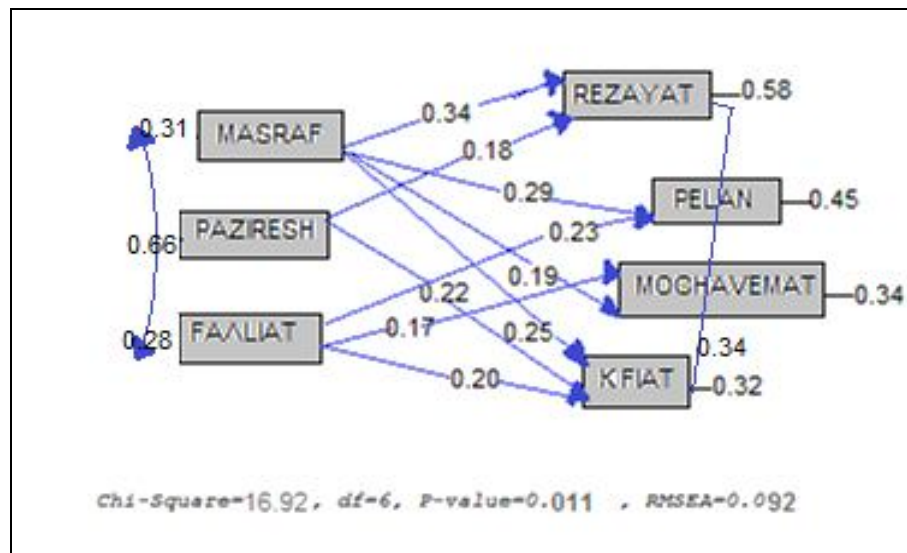
تحلیل مسیر اثرگذاری شاخص‌های تغییرات فرهنگی و اجتماعی بر شاخص‌های الگوی مسکن روستاییان - برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر کدام از شاخص‌های تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دیدگاه روستاییان و بررسی نحوه روابط بین آن‌ها از آنالیز تحلیل مسیر استفاده شده است. برای این منظور ابتدا برای خارج نمودن گویه‌های کم اهمیت‌تر از مدل تحلیل عاملی کمک گرفته شد و براین اساس، تعداد دو گویه از شاخص فعالیت‌های فرهنگی، تعداد چهار گویه از شاخص پذیرش فرهنگی، تعداد یک گویه از شاخص ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی و 9 گویه از شاخص کیفیت مسکن روستایی از تحلیل خارج گردید. سپس متغیرها (شاخص) برای تحلیل مسیر وارد مدل گردید که براساس مقدار ضریب تأثیر استاندارد شده بتا برای هر مسیر به دست آمد.



جدول شماره (11): پیش آزمون‌های رسیدن به تحلیل مسیر در رابطه با اثرگذاری متغیرها

نام آزمون	معیار اصلی	چه زمانی مدل برازنده است؟	توضیحات
NFI	مقایسه مدل مورد نظر با مدل بدون رابطه‌هایش	باید بزرگتر از 0/9 باشد.	شاخص بنتلر بونت
GFI	ارزیابی مقدار نسبی واریانس و کوواریانس	بین صفر و یک. باید برابر یا بزرگتر از 0/9 باشد.	Goodness of Fit Index
AGFI	میانگین مجدورات به جای مجموع مجدورات در مدل بالا	بین صفر و یک. باید برابر یا بزرگتر از 0/9 باشد.	Adjusted Goodness of Fit Index
RMSEA	خطای مجموع مجدورات میانگین	اگر کوچکتر از 0/1 باشد.	Root Mean Square Error of Approximation

بر اساس یافته‌های تحقیق، اعتبار و برازندگی مناسب مدل‌ها تأیید می‌شود، چرا که مقدار تقسیم‌خیز دو به درجه آزادی کمتر از 3 بوده (معادل 2/82)، مقدار 0/92/0 RMSEA و GFI و AGFI به ترتیب مقادیر 0/96 و 0/92 را دارا بوده و در نهایت مقدار 91 NFI برابر 0/94 محاسبه گردید که نشان دهنده برازش قابل قبول مدل بوده است. بر اساس نتایج شکل زیر از بین شاخص‌های متغیر مستقل تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان، ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی، پس از آنالیز تحلیل مسیر مشخص گردید که اثرات مستقیمی بر شاخص‌های متغیر وابسته الگوی مسکن روستایی نداشته است؛ بنابراین، از مدل تحلیل مسیر خارج گردید. در بررسی اثرگذاری شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته، شاخص گرایش به فرهنگ مصرف‌گرایی بر شاخص‌های رضایت، پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن به ترتیب 0/34، 0/29، 0/19 و 0/25 اثرگذاری داشته است. شاخص فعالیت‌های فرهنگی بر شاخص‌های پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن به ترتیب 0/23، 0/17 و 0/20 تأثیر خواهد داشت. شاخص پذیرش فرهنگی فقط بر روی رضایت و کیفیت بنای مسکن با ضریب 0/18 و 0/22 تأثیر می‌گذارد. بر این اساس، مشخص می‌شود که در بین آثار تغییرات فرهنگی، بیشترین اثرگذاری مربوط به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و فعالیت‌های فرهنگی در منطقه مورد مطالعه خواهد بود (شکل 5).



شکل شماره (5): میزان اثرگذاری شاخص‌های تغییرات فرهنگی و اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی

## 5 نتیجه‌گیری

مسکن یک مفهوم فرهنگی است و برای بررسی مسکن روستایی، جدای از فضای فیزیکی و کالبدی باید ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی روستاها و تغییرات شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در روستاها مورد مطالعه قرار گیرد. تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زندگی روستاییان توانسته است تغییراتی را در الگوی مسکن به وجود آورد. در مقایسه با تحقیقات خارجی به ویژه در کانادا، ترکیه و نیجریه (Walker, 2002, Alnaim, 2004, Nurse & Blak, 2000 و Hacıhasanoglu, 2005)، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان توانسته است دگرگونی در الگوی مسکن روستایی در شاخص‌هایی از قبیل رضایت‌مندی، کیفیت بنا و مقاومت آن را در پی داشته باشد. بنابراین، نتیجه تحقیق حاضر در منطقه مورد مطالعه، نتایج تحقیقات خارجی را تأیید می‌نماید. در مقایسه با نتایج تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور، مطالعه‌ی حاضر مؤید این مطلب است که تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زندگی روستاییان سبب بروز تغییراتی در الگوی مسکن روستایی در حوزه‌های مانند نوع استفاده از وسایل و امکانات جدید در داخل مساکن و طراحی و پلان‌های معماری متفاوت از معماری سنتی در مساکن روستایی شده است که با مطالعات پورطاهری و همکاران (1390) در زمینه‌ی تغییرات فرهنگی و تأثیر آن بر تغییر الگوی مسکن روستایی هم‌خوانی دارد؛ نتایج این تحقیق نشان دهنده‌ی اثرگذاری مستقیم شاخص‌هایی مانند رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی و گذران اوقات فراغت بر دگرگونی در الگوی مسکن روستایی است. در صورتی که شاخص‌هایی مانند ترس از ناهنجاری‌های اجتماعی بر خلاف تحقیقات پیشین، اثر معکوسی بر تغییر در الگوی مسکن روستایی دارد.

بر پایه‌ی داده‌های حاصل از نظرسنجی از روستاییان و سنجش رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط مستقیم و نسبتاً قابل ملاحظه‌ای با ضریب 0/658 بین میزان تغییرات فرهنگی و

اجتماعی و الگوی مسکن روستایی در منطقه‌ی مورد مطالعه وجود دارد. با بررسی میزان تأثیرگذاری تغییرات فرهنگی اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه، مشخص گردید که متغیر مستقل 58/6 درصد تغییرات الگوی مسکن را تبیین می‌نماید و شاخص پذیرش فرهنگی با اثرگذاری مثبت 66/8 درصد، بیشترین تغییرات متغیر وابسته را توجیه می‌نماید؛ شاخص ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در جوامع روستایی دارای اثرگذاری منفی بر الگوی مسکن روستایی است. در آنالیز تحلیل مسیر نیز شاخص گرایش به مصرف‌گرایی بر چهار شاخص الگوی مسکن روستایی اثر داشته است و بیشترین تأثیرگذاری آن بر رضایت‌مندی و پلان معماری مسکن روستایی با ضرایب 0/34 و 0/29 بوده است. بنابراین، تغییرات فرهنگی و اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه تأثیر نسبتاً قابل توجهی داشته است و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی جهت تغییرات فرهنگی و اجتماعی مثبت در زندگی روستاییان و اثرگذاری آن بر الگوی مسکن روستایی و دستیابی به توفیق بیشتر در حوزه‌ی مسکن، عبارتند از:

- توجه به نیازهای فرهنگی و ساختار اجتماعی روستاییان در طراحی الگوی مسکن روستایی؛
- شناخت کارکردهای هر یک از اجزا مسکن روستایی و انطباق مناسب آن با نیازهای امروری روستاییان؛
- توجه به رفاه و آسایش روستاییان در مسکن روستایی و استفاده از الگوهای مسکن شهری در انطباق با فرهنگ و محیط روستا؛
- ضمن بروز رسانی و ایجاد رفاه در مسکن روستایی باید خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی روستاها در جهت جلوگیری از آسیب‌های طبیعی نیز مورد توجه قرار گیرد.

## 6 منابع

- ارجمندینا، اصغر، (1354)، تحلیلی از شاخص‌های اجتماعی مسکن در ایران، مجله محیط‌شناسی، سال دوم، شماره 5، صص 31-42.
- استانداری مازندران، (1391)، آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان نکا، استانداری مازندران، ساری.
- اهری، زهرا، (1367)، مسکن حداقل، مرکز تحقیقات و مسکن، تهران.
- آیت‌اللهی، حمیدرضا، (1387)، بررسی دیدگاه‌های هرمنوتیکی در ساحت‌های مختلف فهم، پژوهشنامه فرهنگستان هنر شماره 11، صص 25-37.
- بسحاق، محمدرضا، سیداسکندر صیدیایی و داود جمینی، (1391)، تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ازنا)، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال 2، شماره 5، صص 1-11.
- بهرامی، رحمت‌الله، (1386)، چالش‌های عمده توسعه روستایی؛ مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال 25، شماره 98، صص 16-29.
- بهفرروز، فاطمه، (1374)، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- پاپلی یزدی. محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی، (1381)، نظریه های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- پورطاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و منصوره نیکبخت، (1390)، اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی (نمونه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین)، مجله فضای جغرافیایی، سال 11، شماره 35، صص 115-134.
- تقوی. نعمت، (1371)، مهاجرتهای روستا-شهری: درآمد جامعه شناختی بر نظریه ها، انتشارات ستوده، تبریز.
- خاکپور. مژگان و علی شیخ مهدی، (1390)، بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، فصلنامه مدیریت شهری، سال 7، شماره 27، صص 21-34.
- دشتی. سولماز، سید مسعود منوری و غلامرضا سبزقبایی، (1385)، راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با استفاده از ارزیابی توان محیط زیست حوضه آبخیز زاخرد، مجله علوم محیطی، سال ششم، شماره دوم، صص 38-51.
- سرتیپی پور. محسن، (1384)، شاخص های معماری مسکن روستایی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، صص 43-52.
- سرتیپی پور. محسن، (1385)، مسکن روستایی در برنامه های توسعه، نشریه هنرهای زیبا، شماره 27، صص 56-47.
- سرتیپی پور. محسن، (1389)، ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت گیری آتی، فصلنامه جغرافیا، سال 8، شماره 27، صص 95-135.
- سعیدی، عباس، (1379)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- سعیدی. عباس و فریبا امینی، (1389)، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی (مورد: روستا خفر (ناحیه نطنز - بادرود))، فصلنامه جغرافیا، سال 8، شماره 27، صص 29-43.
- شکوری. علی و نقی عسگری، (1391)، ارزیابی عملکرد برنامه های مسکن روستایی و تأثیرات آن بر کیفیت ساخت و ساز مناطق روستایی در برنامه چهارم توسعه (مطالعه موردی: استان هرمزگان). مجله پژوهش های روستایی، سال 3، شماره 2، صص 119-151.
- صیدایی. سیداسکندر، حسن قره نژاد و ایوب فیروزی، (1390)، تحلیل بر آسیب پذیری مسکن روستایی (مطالعه موردی: مسکن روستایی شهرستان بافت)، مجله سپهر، سال 20، شماره 77، صص 68-73.
- عنابستانی. علی اکبر، (1390)، بررسی آثار فعالیت های اقتصادی بر الگوهای مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی)، مجله پیام مهندس، سال 11، شماره 54، صص 101-111.
- عینالی، جمشید، بهروز محمدی یگانه و محمد طیب خالدی‌نیا، (1394)، اثرات بهسازی مسکن در تحولات کارکرد اقتصادی مسکن روستایی (مورد: دهستان شمشیر در شهرستان پاوه)، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال 4، شماره 4، صص 191-209.
- فتحی. سروش و معصومه مطلق، (1389)، رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص 28-39.
- قنبری. نوذر، مهدی رمضان زاده لسبویی و جعفر معصوم پور سماکوش، (1390)، نگرش ساکنین از ابعاد مسکن روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه)، مجله نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال 3، شماره 3، صص 105-120.
- کریمی آذر. امیررضا و احمدرضا شمسی یوسفی، (1388)، مسکن روستایی با رویکردی به بهسازی و مقاوم سازی مسکن روستایی، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، زاهدان.

- نورنبرگ شولتز. کریستیان، (1387)، **معنا در معماری غرب**، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، تهران.
- نیک خلق. علی اکبر، (1358)، **مقدمه ای بر جامعه شناسی روستایی ایران**، پژوهشکده علوم ارتباط و توسعه ایران، تهران.
- هال. ادوارد، (1387)، **بعد پنهان**، ترجمه منوچهر طیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران.
- هوپوآ. ژيووانی و چمبرز دوبرولسکی، (1377)؛ **مسایل جامعه شنایی روستایی**، ترجمه مصطفی ازکیا، علی اکبر نیک خلق و محمد مهاجر ایروانی، نشر نوبهار، تهران.
- Al. Naim, M. & Mahmud, S (2004). **Is transformation in the traditional dwellings one way of making slums or a solution to accommodate more people and new functions: A case in Dhaka and Hofuf**, GBER 5 (1):30-44.
- Banski. J., Wesolowska. M., (2010). **Transformations in housing construction in rural areas of Poland sublin Region-Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics**, Landscape and Urban Planning Journal, No. 94, Pp. 116-126.
- Bourne, I.S., (1981). **A Gography of Housing**, Prentice-Hall, New York.
- Cater, J. & Trevor, J. (1989). **Social Geography**, Routledge, and London.
- Hacıhasanoglu, I. & Hacıhasanoglu, O (2005). **Cultural processes and physical change in Sisli Istanbul**, Habitat International, Vol. 30, No.4, Pp.902-915.
- Mai. M & Shamsuddin, Sh. (2005). **Urbanization and globalization of Gbagyi housing transformation**, International Journal on Sustainable Tropical Design Research & Practice, Vol.2, No.1, Pp. 1-15.
- Meliouse, F. & kheira, T., (2001). **LHabitat espaces et reperes conceptuels**, Courrier du savoir- No.1, Pp. 59-64.
- Nurse, A., & Blake, R. B. (Eds.). (2003). **The trajectories of rural life: New perspectives on rural Canada** (Vol. 2). University of Regina Press.
- Sendich, B., (2006). **Planning and Urban Standard**, Rutledge, Newgersy
- Short, J. R., (2006). **Urban Theory Acritical Assessment**, Routledge, New York.
- Turgat, H. (2001). **Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement**, Global Environment Research (GBER). No.1, Pp. 17-25
- Walker, A. (2001). **The social context of built form: The case of informal housing production in Mexico City**, Working paper No. 114, University College London: 16-18.
- Wells, c. (1971). **Man in his world**. London: John Baker Pub. Ltd.
- Westaway, M. S., (2006). **A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto**, Habitat International, Vol. 30, No. 1, Pp. 175-189.
- Wiliva, B. (2010). **Cultural planning Toolkit: A partnership between Legacies now and creative city network of Canada**. Retrieved 25 July 2013 from [http://www.creativecity.ca/database/files/library/cultural\\_planning\\_toolkit.pdf](http://www.creativecity.ca/database/files/library/cultural_planning_toolkit.pdf)

